

آسیب شناسی تجمل گرایی در رفتارهای فردی و راهکارهای قرآنی و روایی پیشگیری از آن

حسین افسردیر^۱

عصمت رحیمی^۲

چکیده

گرایش به زیبایی و جمال دوستی یکی از ابعاد وجودی انسان است و آیات و روایات و سیره عملی معصومان(ع) آن را تأیید نموده است. لذا تجمل و جمال به خودی خود بار منفی ندارند. اما آنچه در این بین مورد نکوهش شدید اسلام قرار گرفته است، گرایش افراطی به تجملات و تشریفات دنیوی و هدف قرار گرفتن آن در زندگی است. تجمل گرایی با این بیان به معنی، میل و رغبت کردن به تجملات و توجه به ظواهر زندگی می باشد گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا، آسیب‌ها و آثار نامطلوبی در پی دارد. فراموشی یاد خداوند، دنیازدگی، کفران نعمت، مصرف گرایی، پیدایش حالت تفاخر، زیاده خواهی، رواج الگوگیری نامناسب و تقلیدهای ناصحیح، عدم مشارکت در امور خیر از جمله آسیب‌های این گرایش است.

از جمله راهکارهای قرآنی و روایی مقابله با تجمل گرایی، توجه به هدف خلقت، ترویج الگوگیری از سیره معصومان(ع)، تقویت باورهای دینی و ارزش‌های معنوی مانند؛ زهد و پارسایی، قناعت و مناعت طبع، اعتدال و میانه روی، کمک و ایثار و همچنین توجه و تفکر در فرجام تجمل گرایی می باشد.

کلید واژه ها: تجمل گرایی، پیشگیری، راهکار قرآنی.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران.

۲. دانشجوی کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث.

۱- مقدمه

دین مبین اسلام به نام یک دین کامل و جامع، علاوه بر سعادت اخروی، به زندگی و سعادت دنیوی انسان ها نیز توجه دارد و در این راستا، بهره مندی از وسایل و امکانات رفاه و آسایش انسان را تا حدی تا حد رعایت بندگی مجاز شمرده است و مسلمانان را به پرهیز از افراط و تفریط در این زمینه، فراخوانده و به یک زندگی متعادل دعوت می کند. هدف اصلی اسلام، ایجاد قسط و رهنمون ساختن انسان به سوی خدا و سعادت جاوید می باشد و با نگرشی کوتاه در می یابیم، این مکتب آسمانی با توجه به ساختمان مخصوص انسان، برای تحقق بخشیدن به عدالت، همه عوامل مؤثر و موجد را خاطر نشان ساخته و از عواملی که مزاحم رسیدن به این هدف و مانع برقراری عدل است، نهی فرموده است تا انسان با امکانات کافی بتواند مسیر خویش را ببیماید.

از آنجا که طبیعت انسان به گونه ای است که وقتی در یک مورد، قانون شکنی کرد و از مرز عدل عبور کرد، رفته رفته با تکرار تجاوز در همان یک مورد (مثلاً تجمل گرایی) قدرت جسارت و قانون شکنی در او زیاد می شود تا حدی که این روند اوج می گیرد و به همه افکار و اعمالش سرایت می کند و او را از صراط مستقیم، خارج می سازد.

بنابراین بزرگترین ظلم انسان به خودش این است که در اثر افراط و تفریط، بی نظمی و رعایت نکردن ضوابط زندگی، دچار فساد و اختلال در وجود و قوای خود شود. از این رو با توجه به آسیب هایی که این پدیده دارد و همچنین با در نظر گرفتن موقعیت خاص کشور اسلامی ایران که در محاصره حکومت های سلطه گر قرار گرفته، ضرورت دارد که اولاً، آسیب های فرهنگی تجمل گرایی در حوزه فردی، شناسایی شود و ثانیاً، با بهره گیری از آیات و روایات، راه درمان آن نیز بیان شود.

مسائلی که لازم است به آن ها پاسخ داده شود، این است که:

الف: مفهوم آسیب شناسی فرهنگی چیست؟

ب: پدیده تجمل گرایی چیست؟

ج: تجمل گرایی چه آسیب های فرهنگی در حوزه فردی دارد؟

د: در قرآن و روایات چه راهکارهایی برای درمان تجمل گرایی و اجتناب از آسیب های آن بیان

شده است؟

ضمن بررسی آثاری در باره زینت و تجمل، نوشته شده است که هر کدام به جنبه ای از این بحث پرداخته اند لیکن از نگاه آسیب شناسانه و نیز ارائه راهکارهای قرآنی و روایی بحث چندانی انجام نداده اند.

۲- مفهوم آسیب شناسی فرهنگی

برای روشن شدن معنای آسیب شناسی فرهنگی، لازم است که ابتدا تعریفی از آسیب شناسی و نیز تعریفی از فرهنگ ارائه شود تا مفهوم عبارت آسیب شناسی فرهنگی بهتر روشن شود. آسیب شناسی در واقع مطالعه علمی آسیب ها، بیماری ها و اختلالات است. آسیب شناسی موقعیتی نابهنجار و یا حالتی زیست شناختی است که در آن حالت، یک ارگانیزم از عملکرد صحیح و یا مناسب منع شده است (فرمپینی فراهانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۶).

آسیب شناسی در زمینه مسائل روان شناختی، تربیتی و یا فرهنگی اصولاً به مطالعه و بررسی دقیق عوامل زمینه ساز و پدید آورنده یک آسیب می پردازد. چنین مطالعاتی با هدف تکمیل و تامین بخش های سه گانه شناسایی، تشخیص و درمان صورت می پذیرد و برآیند آن پیشنهاد راه حل های مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب ها است (میر تبار، ۱۳۹۰: ۱۷).

واژه فرهنگ از زبان پهلوی (فارسی میانه) از دو جز «فر» و «هنگ» تشکیل شده و به معنی تعلیم و تربیت است (عمید، ۱۳۴۲: ۷۹۵). فر یا فره، نمود بارقه الهی است که بر دل انسان تجلی می کند و مایه تعالی و کمال نفس می گردد و هنگ یا هنج از مصدر هیختن یا هنجیدن، به معنای آوردن و جلوه گر ساختن است. لذا فرهنگ تجلی کمال و تعالی در فرد و جامعه است (کاظمی، ۱۳۷۶: ۳۵).

فرهنگ مجموعه اموری است که به روح و فکر انسان، شکل می دهد و انگیزه اصلی او را به سوی مسائل مختلف، فراهم می سازد. مجموعه عقاید، تاریخ، آداب و رسوم جامعه، ادبیات و هنر، همان فرهنگ جامعه است (مکارم شیرازی، بی تا: ۱/ ۱۸۵).

فرهنگ، پدیده ای انتزاعی است که از روی آثارش شناخته و تعریف می شود و بر فرآورده های آن مانند: نوع خوراک و پوشاک، شیوه های ساخت و ساز و چگونگی گفتمان مبتنی است. فرهنگ مجموعه ای کیفی شامل ارزش ها، دست آوردهای هنری، مذهبی، فلسفی و تجلیات فکری، ذوقی و عاطفی است که حیات جامعه انسانی و تمدن بشری را ضمانت می کند (میر تبار، ۱۳۹۰: ۲۰).

آنچه به عنوان قدر مشترک در این تعاریف می توان ذکر کرد این است که مسائلی چون اعتقادات، آداب و رسوم، تاریخ، ادبیات، هنر، زبان، مسائل ذوفی و عاطفی، افسانه ها، نظام های سیاسی، علوم و دانش ها در حوزه فرهنگ قرار می گیرد. همین گونه مسائل در این نوشتار به عنوان مسائل فرهنگی در نظر گرفته می شود.

می توان گفت که آسیب شناسی فرهنگی چیزی است که در آن به بررسی آفات و آسیب هایی می پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند و عناصر شکل دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش های رایج افراد یک جامعه را تحت تأثیر خود قرار می دهند (رهنمائی، ۱۳۷۸: ۲۶).

در واقع، آسیب شناسی فرهنگی تجمل گرایی در حوزه فردی بررسی آسیب هایی است که در ناحیه فکر، اعتقادات، علم، دانش، آداب و رسوم، ادبیات، هنر و غیره برای یک فرد پیش می آید.

۳- مفهوم شناسی تجمل گرایی

تجمل گرایی، مرکب از دو واژه «تجمل» و «گرایی» می باشد. تجمل، واژه ای عربی است که مصدر باب تفعّل است و گرایی نیز پسوندی فارسی است. تجمل گرایی یک واژه فارسی است که در عرف فارسی زبان ها نیز معنای خاص خودش را دارد و ممکن است همین مفهوم فارسی آن در زبان عربی نیز با کلمه تجمل بیان شود یا با کلمه هایی دیگر بیان شود و مفهوم تجمل چیز دیگری باشد. در ادامه به بررسی این موارد پرداخته خواهد شد.

تجمل و جمال در لغت نامه های عربی به معنای، زیبایی و نیکویی (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۶/۱۴۲) نکویی زیاد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۲) و زینت کردن (فیروز آبادی، ۱۴۲۶: ۳/۴۸۱) آمده است و در لغت نامه های فارسی به معنای خود را زینت دادن و آراسته شدن، جاه و جلال، خلد و حشم، حشمت و شوکت، عظمت و بزرگی، اسباب و سامان بزرگی، رفاه و آسایش (نفیسی بی تا، ۸۰۹/۲). آرایش کردن و زیبا شدن (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۱۰) و اثاثیه گران بها داشتن آمده است (معین، ۱۳۷۱، ۱/۱۰۳۲). جمع کلمه تجمل، «تجملات» است که به معنای اسباب زینت و آرایش و شکوه و بزرگی و عیش و عشرت و وسایل زینت و آرایش، آنچه موجب نشان دادن شأن و شکوه و زیبایی باشد (نفیسی بی تا، ۸۰۹).



ملاحظه می شود که در فرهنگ لغت های فارسی حوزه معنایی واژه تجمل گسترده است. قدر مشترک تعریفی که در لغت نامه های عربی و فارسی آمده است، زیبایی و زینت کردن است. گرای، پسوند فارسی است که به معنای رغبت، خواهش، میل کردن، قصد کردن و آهنگ کردن می باشد (عمید، ۱۳۴۲: ۸۶۷).

با توجه به این تعابیر، تجمل گرایی به معنای میل و رغبت کردن به تجملات و توجه به ظواهر زندگی می باشد و نیز گاهی به جای آن، کلمه «تجمل پرستی» به کار برده می شود که برای بیان مقصود گویاتر است و درجه وابستگی و بندگی تجمل پرستان را نسبت به وسایل لوکس، زینتی و تشریفاتی، بهتر می رساند (الهامی نیا و همکاران، بی تا ۱۲۵/۱) که خودکنایتی است از این که تجمل حتی گاهی جای خدا پرستی را هم می گیرد!!

باید گفت که در واقع تجمل گرایی یک نوع علاقه افراطی به زینت کردن و استفاده از وسائل زینتی است. آنچه در تعریف تجمل گرایی مهم است همین علاقه افراطی است و گر نه استفاده متعارف و حدنیاز، نکوهیده نیست.

۴- اسلام و زیبایی

ممکن است در نگاه اول این شبهه پیش بیاید که اسلام با هرگونه زینت و زیبایی و استفاده از آنها مخالف است، لازم است که نظر اسلام در باره زیبایی و استفاده از زینت نیز بیان شود تا رفع شبهه شود.

دین مبین اسلام بر بهره مندی از انواع زینت ها - همچون سایر امور - در حد معتدل و عاقلانه تاکید دارد. شایان ذکر است، میل به زیبایی و نیکویی از نظر اسلام امری پسندیده و مورد تایید است. پس اسلام دستور داده است که خود و زندگی خود را زیبا سازید، نعمت هایی را که خداوند به شما داده، با آراستن خود و زندگی خود نمایان سازید. همان طور که در حدیثی حضرت علی (ع) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَحِبُّ الْجَمَالِ وَحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النُّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۴۳۹) خداوند زیباست و زیبایی را دوست می دارد و دوست دارد اثر نعمت را در بنده اش ببیند.

خداوند متعال به نام یک قانون همیشگی که شامل تمام اعصار و قرون می شود دستور می دهد که «یا بنی آدم خُلُوا زینتکم عند کلِّ مسجدٍ» (اعراف، ۳۱) «ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید». این جمله از کلام الهی می تواند هم اشاره به «زینت های جسمانی» باشد که شامل پوشیدن لباسهای مرتب، پاک و تمیز و شانه زدن موها و به کار بردن عطر و مانند آن می شود، و هم شامل «زینت های معنوی» یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴۸).

پیامبر بزرگ اسلام صلوات الله علیه در روایتی می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عَبَدَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَيَتَجَمَّلَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱/۵)
خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده اش نزد برادران خود می رود با هیأت و ظاهری پرداخته و آراسته برود.

امام صادق (ع) نیز در روایتی فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ وَ يُغِضُّ الثُّبُوسَ وَ التَّبَاؤُسَ» (همان، ۶ / ۴۴۰) همانا خداوند زیبایی و تجمل (خود آرایی) را دوست دارد و از فقر و فقرنمایی بدش می آید.

بنابراین گرایش به جمال و زیبایی یکی از ابعاد اصلی روان آدمی است و انسان به مقتضای فطرت الهی خویش، آن را می پسندد. اسلام نیز به عنوان آیین منطبق و هماهنگ با فطرت، خواستار اشباع آن شده است. همچنین سیره عملی پیامبر اکرم (ع) و ائمه (ع) نیز مؤید این است که تجمل و زینت به خودی خود ناپسند نیست و چه بسا ممدوح و مورد علاقه است.

در سیره پیامبر اعظم (ص) نقل شده است که آن حضرت همواره در آینه می نگریست و موی سر خویش را روغن و شانه می زد و چه بسا در آب زلال نگاه و موهای خود را مرتب می کرد. رسول خدا (ص) افزون بر زینتی که در محیط خانه داشت، آن را برای اصحاب و محیط بیرون نیز انجام می داد و می فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عَبَدَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَيَتَجَمَّلَ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۱/۲۵۲)
خداوند دوست دارد وقتی بنده اش به سوی برادران دینی خود از خانه بیرون می رود، خود را بیاراید.



بنابراین در مورد استفاده از انواع زینت‌ها، اسلام مانند تمام موارد، حد اعتدال را تایید و تأکید کرده است، نه مانند بعضی که می‌پندارند استفاده از زینت‌ها و تجملات (هر چند به صورت معتدل بوده باشد) مخالف زهد و پارسایی است، و نه مانند تجمل پرستانی که غرق در زینت و تجمل می‌شوند، و تن به هر گونه عملی نادرست برای رسیدن به این هدف نامقدس. حتی شوم می‌دهند. زیبا سازی و آراستن خود و زندگی مطلوب و فقر و فقر نمایی مورد نفرت است و خداوند عوامل نفرت را برای یک انسان به ویژه فرد با ایمان نمی‌پسندد.

در نتیجه زیبایی و آراستگی را محبوب فطری انسان قرار داد و چگونگی آراستن خویش را به او الهام کرد. اما نکته مهم این است که خواهش فطری تجمل و خود آرایی انسان، باید تحت مراقبت کامل قرار گیرد، و به دور از هرگونه افراط و تفریط برآورده شود.

اسلام در دستورهای خود، حسّ خودآرایی مسلمانان را به راه صحیح و بی خطر هدایت کرده، بر جلوه و جمال آنها افزوده است؛ ولی اگر توجه به ظواهر زندگی و به کارگیری تجملات از حدّ تجاوز کند به طوری که باعث اسراف و اتراف و برای انسان به صورت هدف درآید، مورد نکوهش شدید اسلام است (الهامی نیا و همکاران، بی تا: ۱/ ۱۲۸)؛ زیرا انسان را وابسته و اسیر مال دنیا می‌کند و شرافت و آزادگی انسان را به سبب کسب تجمل به هر قیمت از بین می‌برد و مقدمات سقوط او را فراهم می‌کند.

انسان تجمل پرست مقام انسانی خود را نمی‌شناسد، از این رو فضایل انسانی و آزادگی خود را به متاع قلیل دنیا می‌فروشد. «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ» (نساء، ۷۷). «بگو: متاع دنیا اندک است.» بنابراین از نظر اسلام تجمل گرایی و قرار دادن اساس زندگی بر محور تجملات، کاری شیطانی و امری ناپسند و برنامه ای مطابق با هوای نفس و شهوات حیوانی است. که باعث خروج انسان از حد اعتدال، و باعث باز ماندن از توجه به هدف خلقت و مانع رسیدن انسان به کمال می‌شود. گرایش به تجملات، تشریفات و زرق و برق دنیا، آسیب‌ها و آثار نامطلوبی مانند: فراموشی یاد خدا، دنیا گرایی، کفران نعمت، مصرف گرایی، ورشکستگی، عدم توجه به مستضعفان، خود نمایی و... را به دنبال دارد که در ادامه مقاله این‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.



۵- آسیب های فرهنگی تجمل گرایی در رفتارهای فردی

با توجه به تعریفی که از فرهنگ گفتیم، در این بخش به آسیب هایی که تجمل گرایی در رفتار فردی دارد پرداخته می شود.

بین حوادث خارجی و اعمال انسان ها ارتباطی خاص برقرار است. در آیات متعددی از قرآن کریم از این گونه ارتباط سخن به میان آمده است «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (شوری، ۳۰). و هر آسیبی به شما رسد، به سبب اعمالی است که مرتکب شده اید. و از بسیاری [از همان اعمال هم] درمی گذرد» و یا در جایی دیگر می خوانیم «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱) «در حقیقت خداوند حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند».

این گونه آیات و دیگر آیات وارد شده در این زمینه «إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ» (نساء، ۶۲)، دلالت دارند بر این که بین اعمال، (چه خوب و چه بد) نوعی ارتباط وجود دارد. برای مثال اگر انسان راه اطاعت خداوند و راهی را که او می پسندد، بپیماید، ابواب خیر و برکت بر روی او گشوده می شود و نیز اگر از راه بندگی منصرف و کردار و رفتار انسان نا به هنجار شود، به همان اندازه از محبت و عنایت حق تعالی دور خواهد شد (غلام جمشیدی، ۱۳۸۸: ۲۳۳).

تجمل گرایی و رفاه زدگی از آن جمله اعمالی است که آسیب ها و نتایج زیان باری را در دراز مدت یا کوتاه مدت در زندگی انسان و به تبع آن در جامعه بر جای می گذارد. با در نظر گرفتن آیات قرآن و روایات معصومان (ع) به برخی از این آسیب ها اشاره می شود.

۱-۵- فراموشی یاد خداوند و دنیا زدگی

فراموش کردن یاد خداوند و به دنبال آن دنیا گرایی، از آسیب هایی است که بر اثر گرایش و روی آوری به تجملات، دامن انسان را می گیرد و موجب غافل شدن انسان از خداوند هستی بخش و سرگرم و وابسته شدن به امور پست و حقیر می شود.

غفلت در بسیاری از مواقع، قدرت اختیار را از انسان سلب می کند. زیرا اختیار و انتخاب در جایی تحقق پیدا می کند که انسان به دو یا چند طرف موضوع توجه کند و پس از مقایسه و سنجش آنها



با یک دیگر، آگاهانه یکی را بر گزینند. بنابراین شرط اساسی انتخاب صحیح آن است که؛ انسان به اطراف موضوع توجه کند (اسحاقی، ۱۳۸۸: ۹۲).

انگیزه های غریزی و اهداف دنیوی، تجمل گرایان و رفاه طلبان را به کارهایی و ادار می کند که در مسیر حقیقت نیست. «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم، ۷)

«آنان تنها ظاهری از زندگی دنیا را می دانند و از آخرت بی خبرند.»

شیخ طبرسی در تفسیر این آیه: «می دانند ظاهری از زندگانی دنیا را یعنی؛ منفعت ها و ضررهای دنیایی را که در چه وقت کشت کند و در چه زمانی درو کند و چگونه اموال را گرد آورده، ساختمان ها را بنا کند. ولی تمام این ها مربوط به دنیا است و ایشان غافل از جهان دیگر و آخرت می باشند و بدین سبب دنیای خود را ساخته، در امر آخرت به غفلت می گذرانند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/ ۴۸۱). در جایی دیگر، خدوند از این گروه در قرآن با عنوان غافلان یاد می کند و آنان را در حکم چهارپایان حساب می کند.

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف، ۱۷۹)

«مسلماً بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم زیرا آنان را دل هایی است که به وسیله آن معارف الهی را در نمی یابند، و چشمانی است که توسط آن حقایق و نشانه های حق را نمی بینند، و گوش هایی است که به وسیله آن سخن خدا و پیامبران را نمی شنوند، آنان مانند چهارپایانند بلکه گمراه ترند اینان اند که غافل اند.»

همچنین در روایتی از امام صادق (ع) آمده است:

«وَأَعْظَمُ الْفُسَادِ أَنْ يَرْضَى الْعَبْدُ بِالْغَفْلَةِ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ هَذَا الْفُسَادُ يَتَوَلَّدُ مِنْ طُولِ الْأَمَلِ وَ الْحِرْصِ وَ الْكِبَرِ كَمَا أَخْبَرَ اللَّهُ تَعَالَى فِي قِصَّةِ قَارُونَ» (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۴۰۰: ۱۰۷)

بزرگترین فساد و تباهی آن است که بنده به غفلت و ورزیدن از خداوند رضا دهد و این فساد از آرزوی دراز و آزمندی و تکبر نتیجه می شود.

که خداوند در داستان قارون از آن خبر داده است: «وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص ۷۷، احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۱/ ۵۳۱)؛ «در زمین به تباهی گری میرداز، که خداوند تباهگران را دوست نمی دارد» و این خصلتها (آرزوی دراز، آزمندی و تکبر)، همه در قارون بود (حکیمی، ۱۳۸۰: ۲/ ۳۶).

ریشه همه این صفات از محبت دنیا و جمع کردن مال به دست می آید، هواپرستی و پیروی از نفس، موجب می شود که این خوی های پلید و زشت در انسان پدید آیند و آدمی از هوای نفس پیروی کند و دنبال هوس ها برود.

مال پرستی و دنبال آمال و آرزوها رفتن و شهوت پرستی، همه این ها از غفلت و فراموش کردن خدا حاصل می گردد (عطاردی، ۱۳۷۸، ۲/۶۷۳). امام خمینی در این باره گفته است: «انسان از هر لذتی که از مطعومات، مشروبات یا منکوحات و جز آنها می برد؛ در نفس اثری از آن واقع می شود و ایجاد علاقه و محبتی در باطن روح نسبت به آن پدید می آید. و توجه نفس به آن افزون می شود و هر چه در لذات و مشتهیات بیشتر غوطه زند، علاقه و حب نفس به این عالم شدیدتر می شود و رکون و اعتمادش بیشتر شود، نفس تربیت شود و ارتیاض پیدا کند به علاقه به دنیا و هر چه لذاذ در ذائقه اش بیشتر شود ریشه محبتش بیشتر گردد و هر چه اسباب عیش و عشرت و راحت فراهم تر باشد، درخت علاقه دنیا برومندتر گردد و هر چه توجه نفس به دنیا بیشتر گردد به همان اندازه از توجه به حق و عالم آخرت غافل گردد. چنانچه هر گاه رکون نفس به کلی به دنیا شد و وجهه آن مادی و دنیوی گردید، سلب توجه از حق تعالی و کرامت به کلی گردد. و مصداق «أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ» (اعراف، ۱۷) پس استغراق در بحر لذاذ و مشتهیات قهراً حب به دنیا آورد و حب به دنیا تنفر از غیر آن آورد» (خمینی، ۱۳۷۱).

از مجموع این آیات و روایات، چنین برداشت می شود که فرو رفتن در لذات مادی و تجملات دنیوی، باعث فراموشی یاد خداوند و به تبع آن، فراموش کردن صفات پاک خداوند می شود. خداوندی که دارای هستی مطلق، علم بی پایان و غنای بی انتهاست. و غفلت از یاد خدا و سرگرم شدن به امور دنیا و مادیات، نه تنها موجب پیشرفت و ترقی انسان نمی شود؛ بلکه موجب باز ماندن انسان از پیشرفت، و عاملی برای رکود، توقف و قساوت قلب است «إِيَّاكَ وَ الْغَفْلَةَ فَبِهَا تَكُونُ قَسَاوَةَ الْقُلُوبِ» (نوری، ۱۴۰۸، ۲/۹۳) و در نزد خداوند مردود است.

۲-۵ - کفران نعمت

کفران نعمت از آسیب هایی است که تجمل گرایی بر انسان وارد می سازد. از آنجایی که انسان دارای



طبیعت انسانی و سر و کارش با اسباب مادی و طبیعی است، کفران نعمت عادت اوست و در اثر خو گرفتن به زندگی تجملی، رفته رفته مسبب الاسباب را فراموش می کند.

با این که در هر حالی و آنی در نعمت های او غوطه ور است. بدین معنا که انسان با اشتغال به محسوسات و مادیات در درونش، ملکه مادی گری دل بستگی به اسباب ظاهری، و استناد نعمت ها را به آن اسباب ایجاد می کند و این گرایش پرده ای را میان او و معرفت فطری اش به وجود می آورد. (غلام جمشیدی، ۱۳۸۸: ۲۳۴).

قرآن در در وصف اصحاب شمال می فرماید:

«إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ وَ كَانُوا يَقُولُونَ إِذَا مِنَّا وَ كُنَّا تُرَابًا وَ عِظَامًا أَ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ» (الواقعه، ۴۵-۴۷). «اینان پیش از این از ناز پروردگان خود کامه و سرکش بودند و همواره بر گناهان بزرگ پافشاری داشتند و پیوسته می گفتند: آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا به راستی برانگیخته می شویم؟»

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«أَلَا وَ إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَ يَكْرُمُهُ فِي النَّاسِ وَ يَهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَمْ يَضَعْ امْرَأُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ لَا عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَ كَانَ لِعِيبِهِ وَ دُهُمُ فَإِنَّ زَلَّتْ بِهِ النَّعْلُ يَوْمًا فَاحْتَاجَ إِلَى مَعُونَتِهِمْ فَشَرُّ خَلِيلٍ وَ الْأُمُّ حَدِينٌ» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۱۸۳) آگاه باشید خرج کردن مال در راه نادرست (بیهوده) تبذیر و اسراف است و این کار خرج کننده را در دنیا بالا می برد و در آخرت پایین می آورد و او را در چشم مردم بزرگ می کند و در نزد خداوند خوار. هیچ کس مال خود را در راه نا صواب و برای ناهلان خرج نکرد، مگر این که خداوند او را از سپاسگزاری ایشان محروم ساخت و از محبت ایشان بی نصیب گردانید و اگر روزی پای او لغزید (و دچار حادثه ای شد) و به یاری آنان نیازمند شد، می بیند که بدترین دوستان و پست ترین یارانشند.

بنابراین رفاه و راحتی در زندگی، زمانی مطلوب است که در جهت تأمین راحتی آخرت و خشنودی خداوند قرار گیرد و زمینه حرکت تکاملی انسان را فراهم سازد «نِعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ».

(ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/ ۱۵۶). اما از آنجا که اسارت انسان در برابر دنیا و رفاه آن مانع این تکامل و موجب سقوط انسان در دره های فساد و تباهی می شود؛ لذا بزرگان و اولیای دین، همواره مسلمانان را نسبت به در اختیار داشتن مالی بیش از حد نیاز بر حذر داشته اند؛ زیرا ممکن است انسان نتواند آن گونه که شایسته و بایسته حق تعالی است، شکر نعمت های او را به جا آورند.

امام صادق (ع) می فرماید: «كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالَ عَلَىٰ صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/ ۵۳۱) ر ساختمانی که بیش از مقدار کفایت باشد، در آخرت بر صاحبش وبال خواهد بود.

پیامبر اسلام (ص) نیز به ابن مسعود می فرماید:

«يَا ابْنَ مَسْعُودٍ سَيَأْتِيكَ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يَأْكُلُونَ طَيِّبَ الطَّعَامِ وَأَلْوَانَهَا وَيُرْكَبُونَ الدَّوَابَّ وَيَتَزَيَّنُونَ بِزِينَةِ الْمَرْأَةِ لِرُؤُوسِهَا وَيَتَبَرَّجْنَ النِّسَاءَ وَزِيَهُنَّ مِثْلُ زِي الْمُلُوكِ الْجَبَابِرَةِ وَهُمْ مُنَاقِقُوا هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي آخِرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴/ ۹۶؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۲/ ۳۲۷) ای ابن مسعود! پس از من مردمانی خواهند آمد که خوراک های لذیذ و رنگارنگ می خورند ...

خانه ها می سازند و کاخ ها می افزایند، و مساجد را آرایش می دهند. جز دنیا هم نمی دارند، بنده دنیا بیند و دل بسته به آن. شخصیت شان در گرو درهم و دینار (پول) است، و عمده توجه شان به خورد و خوراکشان. آنان بدترین بدانند، گرفتاری امت از ایشان است و زیر سرایشان (حکیمی، ۱۳۸۰: ۳/ ۳۸۳).

۳-۵- مصرف گرایی

یکی از موانع رشد اقتصادی جوامع، فرهنگ مصرف گرایی است. مصرف گرایی یعنی استفاده بیش از حد از کالاها و خدمات و روی آوردن به تجمل گرایی و اشراف گرایی. هر چند تأمین نیازهای زندگی و استفاده از نعمت های الهی یک امر لازم و مورد تأکید است، لیکن گروهی از مردم در این باره زیاده روی می کنند و به تجمل محوری گرفتار می شوند لذا تجمل گرایی ریشه در اسراف دارد که باعث استهلاک، از بین بردن اموال و هزینه کردن بیهوده می شود (میر عمادی، ۱۳۹۰: ۸۲).
تجمل گرایی و رفاه طلبی سبب می شود فرد بیشتر از آنچه به دست می آورد یا تولید می کند، مصرف



کند. هرچند از نظر اسلام فقر و نداری، ناپسند است و عاملی منفی و به عنوان یک حالت اضطرار بیان شده است و قرآن کریم به طرق متعدد، در صدد رفع این بلیه است «فَكُلُوا مِنْهَا وَ اطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ» (حج، ۲۸) / «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ» (توبه، ۶۰) / «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا» (بقره ۲۷۳) / «لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ» (حشر، ۸) / «مَا آفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ آئِنِ السَّبِيلِ كَى لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ» (حشر، ۷). و نیز انسان باید به طور طبیعی برای به دست آوردن آسایش خود و خانواده اش کوشش کند. «الْكَادُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳ / ۱۶۸)

علاوه بر این، در مباحث اولیه اشاره شد که بشر گرایش به زیبایی دارد؛ اسلام نیز این نیاز فطری را در محدوده‌ی عقل و شریعت تأیید کرده است. ولی فراتر از این محدوده رانهی کرده است. انبیاء نیز درباره مصرف‌گرایی مردم، حساس بودند.

(لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ) (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۵۵) زیرا هدر دادن ثروت و اموال برای تجمل‌گرایی و نمایش، مجاز نیست.

امام رضا در روایتی فرموده اند:

«أَنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْتَيْلَ وَ الْقَالَ وَ إِضَاعَةَ الْمَالِ وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ». (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۶ / ۲۹۰) خداوند قیل و قال (گفتار بیهوده) و تباه‌سازی اموال و درخواست کردن فراوان را دوست ندارد.

تباه کردن اموال که در این روایت به آن اشاره شده است، مفهوم عام و گسترده‌ای دارد به همین دلیل هر گونه نابودی و فساد در اموال را در بر می‌گیرد.

۴-۵- پیدایش و گسترش فقر

اسلام دنیا را زمینه ساز و مقدمه آخرت معرفی کرده است و پیروان خود را به استفاده صحیح از نعم الهی دعوت کرده است. بر خلاف پندار برخی مغرضان و کج فهمان، اسلام دین رهبانیت و فقر؛ نیست، بلکه ثروت را مایه راحت و فقر را همسایه کفر می‌داند. فقر از مهم‌ترین مصیبت‌های بشر است پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۰۷)؛

نزدیک است که فقر، انسان را به کفر بکشاند.

حضرت علی (ع) نیز می فرماید: «الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۹/ ۴۵)؛ فقر، مرگ بزرگ است.

یکی دیگر از پیامدهای سوء که بر اثر تجمل گرایی و عدم توجه به میانه روی به وجود می آید، پیدایش فقر، رشد و گسترش آن است که این امر، ناشی از مصرف بیش از حد انسان های مرفه در جامعه است.

همچنین تجمل گرایی را باید یکی از عوامل به وجود آوردنده فقر دانست. زیرا همیشه فقر در یک قسمت از جهان مولد و لخرجی و ریخت و پاش در قسمت دیگر جهان است و تنگ دستی یک نسل، مولد اسراف کاران نسل قبل است. هر چند که این گرایش، موجب فقر و تهی دستی خود فرد در پایان زندگی نیز خواهد شد. زیرا در یک زندگی سالم و اقتصادی درآمد شخص یا جامعه از هزینه آن کمتر نیست یا دست کم با آن برابر است.

حضرت علی (ع) درباره ی اندازه نگه نداشتن خرج زندگی و زیاده روی در مصرف می فرماید:

«تَرْكُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ يورثُ الْفَقْرَ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲/ ۵۰۵؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲/ ۴۵۵):

اندازه نگه نداشتن در معیشت، سبب فقر و نیازمندی انسان می شود.

بنابر این افرادی که به سبب خو گرفتن با شرافای گری، دست به ریخت و پاش های بی حد و حساب می زنند و به زیاده روی در مصرف و تجملات روی می آورند و امکانات مادی بیشتری را صرف هوس های خود می کنند. این افراد سرانجامی جز تهی دستی و شکست مالی در انتظارشان نیست.

حضرت علی (ع) می فرماید:

«سَبَبُ الْفَقْرِ الْإِسْرَافُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۹۶)؛ اسراف سبب فقر است.

امام صادق (ع) به عبید فرمودند:

« يَا عَبِيدُ إِنَّ السَّرْفَ يورثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ التَّقْصِدَ يورثُ الْغِنَى » (کافی، ۱۴۰۷: ۴/ ۵۳) ای عبید!

اسراف باعث فقر می شود و میانه روی موجب بی نیازی می گردد.

امیر المؤمنین (ع) برای پیشگیری از پدید آمدن چنین وضعیتی می فرماید:



«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَ اللَّهُ تَعَالَى جَدُّهُ سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ.» (نوری، ۱۴۰۸: ۷/ ۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲/۹۳) خداوند سبحان، فراهم آوردن قوت و روزی فقیران را از اموال ثروتمندان واجب کرده است؛ پس هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر اینکه توانگری مانع رسیدن روزی او شود؛ و خدای متعال در این باره ایشان را مؤاخذه خواهد کرد.

۵-۵- پیدایش حالت تفاخر و استکبار

یکی دیگر از آسیب های تجمل گرایی و رفاه طلبی، پیدایش روحیه کبر ورزی نسبت به وضع خود و فخر فروشی و بالیدن، نسبت به امکانات و دارایی های خویشتن است. مصرف در فرهنگ مصرف گرایی مترفان و تجمل پرستان، هم ارزش مادی دارد و هم ارزش نمادین (اجتماعی). بدین معنا که مصرف وسیله ای برای ابراز وجود و به دست آوردن هویت اجتماعی می شود، از این رو نه تنها، ارزش نمادین می یابد بلکه در برابر مصرف به معنای تامین کننده نیازهای زیستی انسان قرار می گیرد و اولویت پیدا می کند، این در حالی است که بر اساس آموزه های دینی، مصرف کالاها و امکانات زندگی صرفاً جهت رفع نیازهای مادی، معنوی، جسمی و روحی است، نه برای خودنمایی و فخر فروشی زیرا این کار؛ افزون بر آن که خود یک رذیلت اخلاقی و نشانه رشد نیافتگی شخصیت آدمی و گاه احساس حقارت درونی است: «مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِدَلَّةٍ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ»، (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱/۵: ۳۸۰) پیامدهای ناگوار اجتماعی نیز بر جای می گذارد (ایروانی، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

نمونه بارز و نماد ثروت مند مغرور در قرآن کریم قارون است. او که ثروتی فراوان داشت، مغرور و خود ستای بود و در عرضه ثروت خود بر مردم به خود نمایی و فخر فروشی می پرداخت.

«إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَ آتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقِسْوَةِ إِذْ قَالُوا لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ / فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونَ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ وَ أَصْحَابَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَآئِنَ اللَّهُ يُنْزِلُ الرُّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَوْ لَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَآئِنَ لَا يَفْلِحُ الْكَافِرُونَ» (قصص، ۸۶-۷۹).

«همانا قارون از قوم موسی بود که بر آنان تعدی و تجاوز کرد، و از گنجینه‌های مال و ثروت، آن اندازه به او دادیم که حمل کلیدهایش بر گروهی نیرومندگران و دشوار می آمد. [یاد کن] هنگامی که قومش به او گفتند: شادی مکن [متکبران و مغروران]، قطعاً خدا شادمانان [متکبر و مغرور] را دوست ندارد. [قارون] در میان آرایش و زینت خود بر قومش درآمد؛ آنان که خواهان زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش مانند آنچه به قارون دادند برای ما هم بود، واقعاً او دارای بهره بزرگی است. و بامدادان، آنان که دیروز مقام و جایگاه او را آرزو داشتند [چنان حالی شدند که] می گفتند: واه! گویی خدا رزق را برای هر کس از بندگانش بخواهد و سعت می دهد، و [برای هر که بخواهد] تنگ می گیرد، اگر خدا بر مامت نگذاشته بود، ما را نیز در زمین فرو برده بود، وه، گویی کافران رستگار نمی شوند».

روشن است که قارون صفتان همیشه و در هر زمان وجود دارند؛ آنان تلاش می کنند دارایی خود را به رخ دیگران بکشند و از این کار لذت می برند.

همچنین روایاتی از معصومین (ع) در این باره وارد شده است از آن جمله پیامبر اکرم (ع) می فرماید:

«مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا فَاتَّخَذَ فِيهِ حَسْفَ اللَّهِ بِهِ مِنْ شَفِيرِ جَهَنَّمَ فَكَانَ قَرِيبًا قَارُونَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۴/ ۱۳) هر کس لباسی بپوشد و با آن فخر فروشی کند خداوند او را از لبه دوزخ به قعر آن فرو خواهد برد و همنشین قارون خواهد نمود.

در جایی دیگر نیز پیامبر (ع) می فرماید:

«مَنْ بَنَى بُنْيَانًا رِيَاءً وَ سَمِعَتْ حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ وَ هُوَ نَارٌ تَشْتَعِلُ ثُمَّ يَطْوَقُ فِي عُنُقِهِ وَ يَلْقَى فِي النَّارِ فَلَا يَحْبُسُهُ شَيْءٌ مِنْهَا دُونَ قَعْرِهَا إِلَّا أَنْ يَتُوبَ قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ يُبْنَى رِيَاءً وَ سَمِعَتْ قَالَ يُبْنَى فَضلاً عَلَى مَا يَكْفِيهِ اسْتِطَالَةٌ مِنْهُ عَلَى جِيرَانِهِ وَ مَبَاهَاةٌ لِإِخْوَانِهِ» (ابن بابویه ۱۳۷۶: ۴۲۶). هر کس برای خود نمایی و ستایش دیگران، ساختمانی بسازد در روز قیامت در حالی آن را حمل خواهد کرد که چون آتشی شعله ور بر گردنش آویخته است. و به آتش افکنده خواهد شد. گفته شد ای رسول خدا! چگونه آن را برای خود نمایی و ستایش جویی می سازد؟ فرمود: فراتر از حد نیاز سازد تا بر همسایگانش برتری جویی کند و به برادران فخر فروشد.

بنابراین و بر اساس این آموزه‌ها، تجمل گرایی موجب رواج منکر فخر فروشی و استکبار می شود، ساختن خانه‌های چشم پر کن و مصرف کالاهای امروزی (تجملی)، موجب خود برتری بینی می شود و

این مورد نکوهش اسلام است و خداوند می فرماید:

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ» (حدید، ۲۰) «بدانید که زندگی دنیا [بی] که دارنده‌اش از ایمان و عمل تهی است، [فقط بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی تان به یک دیگر، و افزون خواهی در اموال و اولاد است، [چنین دنیایی] مانند بارانی است که محصول [سبز و خوش منظره‌اش] کشاورزان را به شگفتی آورد، سپس پژمرده شود و آن را زرد می بینی، سپس ریز ریز و خاشاک شود!! [که برای دنیاپرستان بی ایمان] در آخرت عذاب سختی است و [برای مؤمنان که دنیای خود را در راه اطاعت حق و خدمت به خلق به کار گرفتند] از سوی خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست».

۷-۵- رواج الگوگیری نامناسب و تقلیدهای ناصحیح

از سایر منکرات، می توان به رواج الگوگیری نامناسب و تقلیدهای ناصحیح اشاره کرد. با توجه به اینکه آدمی، در ابعاد گوناگون زندگی و در خوی و منش اخلاقی خود، سخت تأثیر پذیر است، الگوها در شکل دهی شخصیت و رفتار آدمی تأثیر بسزایی دارند. در امور اقتصادی و مصرف نیز، الگو گرفتن از زندگی مترفان و به ویژه هم چشمی با آنان، از آسیب های مهم در تجمل گرایی به شمار می آید. از این رو قرآن کریم آشکارا دستور می دهد که؛ هرگز از مسرفان پیروی نکنید «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» (شعراء، ۱۵۱) «و از فرمان اسراف گران اطاعت نکنید».

ظاهراً مراد از "امر مسرفان"؛ امر در مقابل نهی است، به قرینه این که از اطاعت آن نهی فرموده است، هر چند بعضی از مفسرین احتمال داده اند که به معنای شأن باشد. بنا بر این مراد از اطاعت امر آنان، تقلید عامیانه و پیروی کورکورانه ایشان، در اعمال و روش زندگی است، آن روشی که آنان سلوکش را دوست می دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۰۵). روایات نیز انسان را از چشم دوختن به زندگی کسانی که از سطح بالاتری بر خوردارند، نهی می کند و تأثیر پذیری از آنان را مورد نکوهش قرار می دهد «مَنْ مَدَّ عَيْنَهُ إِلَى زِينَةِ الْمُتَرَفِينَ كَانَ مَهِينًا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاءِ».

(شعرانی، ۱۴۱۳: ۶۱۳). هر که به زیور ناز پرور دگان چشم بدوزد در ملکوت آسمان خوار باشد. امام باقر علیه السلام (ع) نیز در این زمینه می فرماید:

« اِيَاكَ اَنْ تُطْمَحَ بَصْرَكَ اِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ » (کلینی، ۱۴۰۷: ۳ / ۳۵۵). بپرهیز از اینکه به بالاتر از خود (در امور مادی) چشم بدوزی.

۸-۵- عدم مشارکت در امور خیر و عدم توجه به نیازمندان

از دیگر آسیب های تجمل گرایی، بی رغبتی و دلسردی در انجام کارهای خیر می باشد. به طور معمول انسان ها در انجام کارهایی که فایده عمومی و معنوی دارد، خود را شریک می کنند تا از اجر و ثواب آن بهره مند شوند. ولی آنهایی که خودشان را مشغول تجملات کرده اند دستشان از این کارها کوتاه است. از سوی دیگر لذت جویی لجام گسیخته و غرق در تجملات، روحیه مسئولیت پذیری و عواطف انسانی را سخت تضعیف می کند. با توجه به این که زندگی اترافی ثروت فراوانی را می طلبد تا پاسخ گوی اسراف ها و مصرف های افراطی مترفان باشد، در نتیجه مترفان نه توجهی به محرومان و نیازمندان خواهند داشت و نه مشارکتی در کارهای خیر. از این رو قرآن کریم آنان را باز دارندگان کارهای خیر «مَنَاعِ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ اَتِيمِ» (قلم، ۱۲). معرفی می کند، و نیز بی توجهی به یتیمان و مستمندان را ویژگی بارز آنان بر می شمارد. «كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلٰى طَعَامِ الْمِسْكِينِ وَ تَأْكُلُونَ الْثُرَاتِ اَكْلًا لَّمًّا وَ تَحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» (فجر، ۱۷-۲۰). «این چنین نیست که می پندارید، بلکه [زبونی، خواری و دور شدن شما از رحمت خدا برای این است که] یتیم را گرامی نمی دارید و یک دیگر را بر طعام دادن به مستمند تشویق نمی کنید و میراث خود را [با میراث دیگران بی توجه به حلال و حرام بودنش] یک جا و کامل می خورید و ثروت را بسیار دوست دارید». کلاً کلمه ردع است، چنین نیست که هر کس نعمت دنیوی وی زیادتر شد گرامی تر است و هر کس، روزی وی تنگ گردید به وی اهانت شده باشد، این گمان فاسدی است «اِنَّ اللّٰهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱). تو خود به دست خود و باعمال نکوهیده خود را مبتلا به فقر و بیچارگی نموده ای؛ زیرا که به وظیفه خود عمل نمی کنی، نه یتیمی را نوازش می کنی و نه به فقرا و



مستمندان یاری می‌رسانی و به گمان آن که متمول و ثروتمند گردی به ناحق مال میراث می‌خوری و روی هم می‌گذاری و به اهلش نمی‌رسانی و بسیار دوست داری مال را ذخیره نمایی و سرانجام و کیفر چنین اعمال، گرفتن نعمت است و نیز در گرفتن نعمت، بسی حکمت منظوی است که در معرض آزمایش درآیی که در آفات و بلیات دنیا به چه درجه شکیبایی و بردباری و متانت و استقامت به خرج می‌دهی (امین، ۱۳۶۱: ۱۵/۱۳۴).

پیامبر بزرگ اسلام (ص) در حدیثی، یکی از نشانه‌های شخص مسرف را عدم رغبت در کار خیر معرفی می‌کند:

«وَأَمَّا عَلَامَةُ الْمُسْرِفِ فَأَرْبَعَةٌ الْفَخْرُ بِالْبَاطِلِ وَ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ عِنْدَهُ وَ يَزْهَدُ فِي اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۲) نشانه‌ی اسراف کار چهار چیز است: به کارهای باطل می‌نازد، آنچه را فرا خور حالش نیست، می‌خورد، در انجام کارهای خیر بی‌رغبت است
....

۶- راهکارهای قرآنی و روایی پیشگیری از تجمل‌گرایی

بعد از شناخت مفهوم تجمل‌گرایی و بیان دیدگاه اسلام درباره‌ی آن و نیز بعد از بیان آسیب‌هایی که گرایش به تجملات به دنبال داشت، با نظر به آموزه‌های دینی، به دنبال ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از آن هستیم. این راهکارها هر کدام نقش بسزایی در بازدارندگی انسان از افتادن در دام تجملات و تشریفات غیر ضروری زندگی و نیز تقویت اراده انسان برای پرهیز قاطع از اسراف دارد.

۱-۶- توجه به هدف خلقت انسان

یکی از راهکارهایی که می‌توان بر اساس آیات و روایات، جهت پیشگیری از تجمل‌گرایی بیان داشت؛ توجه به هدف خلقت انسان است. از دیدگاه اسلام، انسان بیهوده و بی‌هدف پا به عرصه هستی نهاده است؛ بلکه آفرینش او و تمامی امکاناتی که در اختیارش نهاده شده است، هدفی بس والا و متعالی دارد.

«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مومنون، ۱۱) «آیا پنداشتید که شما را بیپهوده آفریدیم و شما به سوی ما باز گردانده نمی شوید؟»

اما این که این هدف در بینش اسلامی چیست؟ می توان این گونه پاسخ داد، با توجه به این که انسان موجودی کمال طلب است و در همه کمالات هم به سوی بی نهایت گرایش دارد و وجود بی نهایت کامل، خداوند متعال است «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ» (نجم، ۴۲) «إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ * وَوَجْهَ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ» (قیامت، ۲۲-۲۳) «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَأَدْخِلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي» (فجر، ۲۷-۳۰).

بنابراین هدف نهایی و کمال حقیقی انسان، همان مقام قرب پروردگار می باشد و سایر کمالات بدنی و روحی، همه مقدمه و ابزار رسیدن به چنین مقامی هستند که باید به اندازه تأثیرشان در رسیدن به کمال حقیقی، مورد بهره برداری قرار گیرند و هیچ کدام، حتی عالی ترین و لطیف ترین آن ها از کمالات اصیل به شمار نمی آیند، دستیابی به این هدف تنها از راه عبودیت و بندگی خداوند و سر نهادن به فرامان های الهی شدنی است و عبادت تنها راه تقرب و یگانه رمز تکامل است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶). «و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند، نیافریدیم»

امام موسی کاظم (ع) نیز در حدیثی هدف از خلقت انسان را این گونه بیان می کند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِيَعْبُدُوهُ وَ لَمْ يَخْلُقْهُمْ لِيَعْبُدُوهُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۵۶) خداوند بزرگ جن و انس را برای این آفریده که او را عبادت و اطاعت کنند، برای این نیافریده است که نافرمانی اش نمایند.

همچنین امام حسین (ع) در این باره می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ.» (کراچکی، ۱۴۱۰: ۱/۳۲۸) خدای متعال، بندگانش را جز برای اینکه او را بشناسند نیافرید.

شایان ذکر است که؛ هدف دار بودن انسان در این جهان، مستلزم مسئول بودن انسان می باشد، انسان در برابر مواهب و نعمت هایی که خداوند به او ارزانی داشته است مسئول می باشد و در واقع



مسئولیت او این است که از نعمت‌ها برای رسیدن به کمال و سعادت اخروی استفاده کند. قرآن در این باره می‌فرماید: «ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکواثر، ۸). «آن‌گاه شما در آن روز از نعمت‌ها بازپرسی خواهید شد.»

در تفسیر و تحلیل این آیه آمده است نعمت یعنی آنچه مطلوب آدمی و در بر دارنده نوعی خیر و منفعت است تنها در صورتی نعمت به شمار می‌رود که در راه سعادت و نیک بختی به کار رفته شود، در غیر این صورت چیزی جز بلا و نِقمت نخواهد بود.

خداوند متعال انسان را آفرید و هدف خلقت او را که همان سعادت اوست، در کمال تقریب ابدی به خود قرار داد... و امکانات و لوازم پیمودن این راه را برایش فراهم ساخت، بنابراین اطاعت الهی همان به کارگیری نعمت‌ها در راه رسیدن به کمال مطلوب است آن‌گاه مقرر فرمود که از اعمال انسان خواهد پرسید سؤال از عمل بنده در واقع سؤال از چگونگی استفاده او از

نعمت هاست (طباطبایی، ۱۴۰۷، ۲۰، ۳۵۴). از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده است:

«لَا يَزُولُ قَدَمُ الْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ عَمَلِهِ مَاذَا عَمِلَ بِهِ وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۴۸۳)؛ در روز قیامت، هیچ بنده‌ای قدم از جای خود بر ندارد، تا این که درباره چهار چیز از او سؤال شود: از عمرش که در چه راه صرف کرده است، از بدنش که در چه راه آن را فرسوده است، از مالش که در چه راه خرج کرده و از کجا به دست آورده است و از محبت ما خاندان.

با توجه به این تعبیرها اگر استفاده از نعمت‌های الهی، در جهت رسیدن به کمال و رسیدن به سعادت اخروی باشد مطلوب، و چنانچه برای استفاده از آنها برای تجمل‌گرایی و خوش‌گذرانی باشد، آثار نامطلوبی را به دنبال دارد پس باور مندی به هدف نهایی (نزدیکی به خدا) باعث می‌شود، انسان به رفتارهای اقتصادی خود جهت خاصی ببخشد، و لذت معنوی و اخروی را برگزیند. لذا توجه و تفکر در هدف آفرینش انسان، راهکار مناسبی جهت نیفتادن در ورطه تجملات می‌باشد.

۲-۶- رواج الگوگیری از سیره معصومان

یکی از عوامل مهم در تربیت بشر و از ویژگی هایی که در وجود هر انسانی به ودیعه گذاشته شده، عادت الگوپذیری است. انسان همیشه می خواهد در زندگی خود شیوه کسانی را که در نظر او شرافت و موفقیت دارند، و از نظر شخصیت کامل هستند، سرمشق زندگی خود قرار دهد (اسحاقی، ۱۳۸۸: ۷۹).

بنابراین اگر این الگوپذیری با هدایت عقل و انتخاب الگوی صحیح و مناسب همراه باشد، انسان را در مسیر رشد، کمال و رسیدن به فضایل کمک خواهد کرد، چنانچه با جهل و خواسته های نفسانی همراه باشد، نتایج خطرناک و زیان باری در زندگی انسان دارد و به بزرگ ترین مانع در راه هدایت انسان تبدیل خواهد شد. در این زمینه نیز آموزه های دینی همواره به دوری از متکثران و الگوناپذیری از آنان دستور داده اند. خداوند می فرماید:

«لَا تَتَدَنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ»
 (حجر، ۸۸)؛ «بنابراین به امکانات مادی و ثروت و اولادی که برخی از گروه های آنان را از آن برخوردار کردیم، چشم مدوز، و بر آنان [به سبب اینکه پذیرای حق نیستند] اندوه مخور، و پر و بال [لطف و مهربانی] خود را برای مؤمنان فرو گیر.»

امام صادق (ع) می فرماید: هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر (ص) فرمود:

«مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعَزَاءِ اللَّهِ انْقَطَعَتْ نَفْسُهُ عَنِ الدُّنْيَا حَسْرَاتٍ وَمَنْ نَظَرَ إِلَى مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَقَدْ كَثُرَ هَمُّهُ وَ لَمْ يَشْفِ غَلِيلَ صَدْرِهِ وَ مَنْ لَمْ يَرَ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةً إِلَّا فِي مَطْعَمٍ أَوْ فِي مَلْبَسٍ فَقَدْ قَصَرَ أَجَلُهُ وَ دَنَا عَذَابُهُ» (طبرسی، ۱۳۸۵: ۳)؛ هر کس با دلجویی خدا تسلی خاطر نیابد و دلش آرام نگیرد، جان می دهد در حالی که پیوسته در حسرت دنیا بوده، و هر کس دیده خود را به آنچه که در دست مردم است بدوزد اندوهش بسیار می شود و سوز دلش درمان نپذیرد، و هر کس برای خدا نعمتی جز در خوردن و پوشیدن نبیند، عمرش کوتاه و عذابش نزدیک می شود.

زندگانی ساده و بدون تشریفات و تجملات پیامبر بزرگ اسلام (ص) و ائمه هدی سلام الله علیهم اجمعین، مجموعه ای از الگوهای ارزشمند است که می تواند در زمینه فضایل اخلاقی و رفتاری



همچون: قناعت، میانه روی، دوری از تجملات، به عنوان الگویی برای همه مسلمانان در طول تاریخ

و همه اعصار و زمان ها مطرح شود

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱) «یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگویی نیکویی است.»

در شرح حال زندگی رسول اکرم (ص) چنین بیان شده که: «كَانَ خَفِيفَ الْمُنُونَةِ» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱/۱۱۵). اولین چیزی که در سیره ایشان به چشم می خورد این است که؛ سبک خرج بودند در لباس، خوراک، در نشست و برخاست و مسافرت بسیار ساده بود. این منش و رفتار در ابتدای شکل گیری اسلام سبب شده بود که جامعه اسلامی سرشار از معنویت شود و مسلمانان به تجمل توجهی نکنند (اسحاقی ۱۳۸۸: ۸۰).

حضرت علی (ع) در حدیث مفصلی درباره ساده زیستی پیامبر اکرم (ص) سلام الله علیهما می فرماید:

«وَلَقَدْ كَانَ صِياً كُلِّ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ وَ يَخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ وَ يَرْقَعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ وَ يَرْكُبُ الْحِمَارَ الْعَارِي وَ يَرْدِفُ خَلْفَهُ وَ يَكُونُ السُّتْرُ عَلَى بَابِ بَيْتِهِ تَكُونُ فِيهِ النَّصَاوِيرُ- فَيَقُولُ يَا فَلَانَةَ لِإِخْدَى أَوْ وَجْهِ غَيْبِيهِ عَنِّي فَإِنِّي إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَ زَخَّارِهَا فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ وَ أَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ نَفْسِهِ وَ أَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ» (طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۰)؛ این سیره مسلم رسول خداست که بر زمین خوراک می خورد، و همچون بردگان می نشست، و بر کفش خود به دست خویش پینه می دوخت، و جامه اش را به دست خود وصله می زد، و بر مرکب برهنه سوار می شد، و دیگری را نیز پشت سر خود سوار می کرد. روزی بر در اتاق او پرده ای رنگین و پر نقش و نگار آویخته بود، به یکی از همسران خود می گفت: «این پرده را از برابر چشم من دور کن! که چون به آن می نگرم به یاد دنیا و زیب و زیور دنیا می افتم، بدین ترتیب روی دل از دنیا بر تافت و یادش را از صحنه جانش زدود ...» (حکیمی، ۱۳۸۰: ۲/۷۱).

مراجعه به قرآن نیز نشان می دهد که اولیای الهی در نهایت ساده زیستی روزگاری گذراندند برای نمونه «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسْرَحُكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا» (احزاب، ۲۸)؛ «ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زیور و زینتت را می خواهید بیاید تا برخوردارتان نمایم و با روشی پسندیده رهایتان کنم.»

در شأن نزول این آیه و آیات بعد آن آمده است؛ همسران پیامبر (ص) پس از برخی غزوه ها که

غنایم سرشاری نصیب مسلمانان می شد تقاضاهای مختلفی از پیامبر (ص) درباره نفقه و بالوالم زندگی می کردند... تا این که این آیات نازل شد و بالحنی قاطع و در عین حال با رأفت و رحمت به آنها هشدار داد که: اگر زندگی پر زرق و برق دنیا را می خواهید، می توانید از پیامبر (ص) جدا شوید و به هر کجایی خواهید بروید، و اگر به زندگی ساده و افتخار آمیز خانه پیامبر (ص) قانع اید، بمانید و از پادشاهای بزرگ پروردگار برخوردار شوید (طبرسی، ۱۳۸۵: ۸/ ۵۵۵).

از میان معصومان، زندگی پر برکت حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) به خصوص برای مسلمانان شیفته راستی و درستی همچون خورشیدی نورافشانی می کند، آشنایی با سبک زندگی آن حضرت برای داشتن زندگی ساده، بسیار راهگشا می باشد. ساده زیستی و پرهیز از تجملات از نکات بارز زندگی حضرت فاطمه زهرا (س) است. مهریه کم، جهیزیه مختصر، اکتفا به غذای اندک و معاش کم، استفاده از حداقل امکانات برای زندگی و... از خصوصیات آشکار سیده زنان عالم است (بابازاده، ۱۳۸۵).

همچنین مؤمنان راستین و عالمان ربانی که رهرو راه ائمه هستند، زندگی همراه با ساده زیستی و خالی از تشریفات دارند، به عنوان نمونه؛ ساده زیستی حضرت امام خمینی که به حق از عالمان ربانی و وارسته زمانه بود، (خمینی، ۱۵۶-۱۵۷) و همچنین زندگی بی آرایش رهبر معظم انقلاب که زبانزد عام و خاص است، الگوی مناسبی به شمار می رود.

زندگی پیامبران بزرگ و رهبران جامعه اسلامی همواره ساده بوده است، زیرا اگر زندگی تجملاتی و پر زرق و برق داشتند به زیبایی هر چه تمام نمی توانستند از عهده ی اداره جامعه برآیند، و دیگر اقشار نیز به پیروی از آنان سراغ تجمل می رفتند.

از مجموع آنچه نمونه وار ذکر شد، می توان نتیجه گرفت که؛ ساده زیستی و دوری از تجملات جز ارزش های اخلاق اقتصادی در اسلام، و یکی از اصول حاکم بر مصرف می باشد که باید در تبیین الگوی مصرف مد نظر قرار گیرد. خوی و خصلت ساده زیستی و تأسی از زندگی شخصیت های ساده زیست در اسلام موجب می شود، شخص به مظاهر دنیوی دل نبندد و اسیر زخارف مادی نگردد، در نتیجه راحت زندگی کند و آزاد و آزاده باشد. وارستگی حاصل از این روحیه آثاری همچون رشد یافتگی شخصیت،



عزت، اعتماد به نفس، خشنودی از زندگی و عدم وابستگی را به دنبال دارد.

بنابراین یکی از راهکارهای قرآنی و روایی پیشگیری از تجمل گرایی و مقابله با فرهنگ اتراف و روحیه رفاه زدگی، عدم تاسی از زندگی اشرافان و مترفان، و روی آوردن به الگوی های ساده و اصیل اسلامی و تاثیر پذیری از زندگی آنان می باشد، که می توان با ترویج و تبلیغ آموزه های دینی و ارائه الگوی صحیح اسلامی، افراد را تشویق به ساده زیستی و جلوگیری از مصرف گرایی رهنمون ساخت.

۳-۶- تقویت باورهای دینی و ارزش های معنوی

یکی دیگر از راهکارهای مهم در آموزه های دینی برای پیشگیری از تجمل گرایی، تحکیم ارزش های اخلاقی و معنوی و تقویت باور انسان ها به مبدأ و معاد است که این راهکار مانند ناظر درونی، اجرای صحیح دستورهای الهی را تضمین می کند. تقویت ارزش هایی چون: زهد، قناعت، میانه روی و اعتدال، از شیوه های درمانی آموزه های دین برای درمان این معضل است که در ادامه مقاله بررسی می شود.

۲-۳-۶- قناعت و مناعت طبع

یکی از مهم ترین و عمیق ترین راهکارها برای دوری از تجملات و اسراف که، به جرئت می توان گفت بازدارندگی آن از راهکارهای دیگر بیشتر است؛ آراسته بودن به صفت قناعت است. قناعت در لغت: به معنای راضی بودن به قسمت و روزی، یا راضی بودن به قلیل یا اندک است، (طریحی، ۱۳۷۵: ۴/ ۳۸۴) و در اصطلاح حالتی است برای نفس که عامل اکتفا کردن آدمی به قدر حاجت و ضرورت است. همچنین گفته شده است: قناعت عبارت است از این که انسان بیش از هر چیز به خداوند متعال متکی بوده، و به هر چه در اختیار دارد خشنود و سازگار باشد، و با عزت نفس و آبرومندی به سر برد، و هیچ گاه چشم داشتی به دیگران نداشته باشد، و از نداشتن امور مادی و کمبودها اندوه گین و حسرت زده نباشد (رحیمی اصفهانی ۱۳۳۸: ۲/ ۱۵۱).

خصلت قناعت و آراسته بودن به این ارزش اخلاقی، آثار مادی و معنوی فراوانی را در زندگی به دنبال دارد. شخص قانع سریع تر از دیگران به سعادت ابدی نایل می گردد؛ زیرا اکتفا کردن به کمترین امکانات زندگی به انسان فرصت می دهد که خود را سرگرم امور مادی و تجملات نکند؛ بلکه به مسائل دینی

خود بپردازد و توشه آخرت را ذخیره سازد و برعکس از دست دادن روحیه قناعت و بی نیازی، باعث غرق شدن در مادیات، تجملات و زرق و برق دنیا و در نتیجه از دست دادن آخرت است.

پیامبر (ص) فرمود:

«طُوبَى لِمَنْ هُدِيَ لِلْإِسْلَامِ وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا وَقِنَعَ» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۵/ ۲۳۱) خوشا به حال کسی که به دین اسلام، هدایت یابد و معاش زندگیش در حد کفاف نیازهای او باشد.

امیر مؤمنان (ع) قناعت را نعمتی خدادادی می داند و می فرماید:

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْقَنَاعَةَ فَكَتَفَى بِالْكَفَافِ وَكُنِسَى بِالْعَفَافِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۹۱).
هرگاه خدا بخواهد به بنده‌ای خیر دهد، قناعت را به او الهام می کند. چنین بنده‌ای بقدر کفاف، بسنده می کند و با لباس عفاف، خود را می پوشاند یعنی چشم به مال دیگران نمی دوزد و دست به سوی دیگران دراز نمی کند.

با توجه به این که آدمی از فقر و احتیاج نفرت و به غنی بودن و بی نیازی علاقه دارد، بسیاری از مردم بی نیازی خود را در جمع آوری ثروت، توسعه امور مادی و تجملی می دانند، از این رو تلاش می کنند تا راحت، بی نیازی و آسایش خود را با به دست آوردن مال و مقام و تجمل گرایی در زندگی فراهم سازند، این در حالی است که امور یاد شده نه تنها موجب آسایش و راحتی انسان نمی شود؛ بلکه بیشتر عامل ایجاد ناراحتی و سلب آسایش است در مقابل، تنها قناعت و بی توجهی به امور مادی سبب آسایش جسم و جان انسان و موجب عزت نفس است.

حضرت علی (ع) در این باره می فرماید:

«وَلَا كَنْزَ أَعْنَى مِنَ التَّنُوعِ وَلَا مَالَ أَذْهَبَ لِلْفَاقَةِ مِنَ الرِّضَا بِالقُوتِ وَمِنْ اقْتَصَرَ عَلَيَّ بُلْغَةَ الْكِفَافِ فَقَدْ انْتَهَمَ الرَّاحَةَ وَتَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَةِ وَالرَّغْبَةَ مُقْتَسِحُ التَّعَبِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۴/ ۳۸۵)؛ هیچ گنجی بی نیاز کننده تر از قناعت و هیچ مالی در فقر زدایی، از بین برنده تر از رضایت دادن به روزی نیست و کسی که به اندازه کفایت از دنیا بهره مند باشد، به آسایش دست می یابد و آسوده خاطر می شود، در حالی که دنیا پرستی کلید دشواری و مرکب رنج و گرفتاری است.



بنابر این انسانی که دارای روحیه قناعت و مناعت طبع باشد، قطعاً از تشریفات و تجملات زندگی پرهیز می‌کند، و هرگز صفت زشت چشم و چشمی را در خود راه نمی‌دهد، و از بسیاری از سفره‌های رنگین و پر زرق و برق دوری می‌کند. در نتیجه به طور ناخود آگاه از اسراف‌های گوناگون مصون می‌ماند.

۳-۳-۶- اعتدال و میانه روی

اصل اعتدال و میانه روی یکی از معیارها و ارزش‌های مهم اسلام، در تمام ابعاد زندگی از جمله مصرف می‌باشد. اعتدال در لغت به معنای؛ رعایت حد وسط و میانه در بین دو حال از جهت کمیت و مقدار و از جهت کیفیت و چگونگی است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۴۳۳). اعتدال در مصرف عبارت است: از بهره‌گیری از امکانات زندگی به گونه‌ای که مستلزم تلف کردن و هدر دادن مال و نیز مازاد بر نیاز نباشد، و کم و کیف آن از نگاه عرف هماهنگ با شرایط زمانی و مکانی و متناسب با شأن و موقعیت مصرف‌کننده باشد (کلانتری، ۱۳۸۸: ۲۹).

یکی از ویژگی‌های بارز دین مقدس اسلام که آن را از ادیان دیگر متمایز می‌سازد، اعتدال و میانه روی است. قرآن مجید امت اسلام را امت وسط نامیده است «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره، ۱۴۳). «ما شما را امتی وسط قرار دادیم، و در آیه‌ای دیگر، امت اسلامی را بهترین امت پدید آمده از میان مردم می‌داند.» «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (عمران، ۱۱۰). در تفاسیر از امت وسط با کلمه، «عدل»؛ یعنی میانه و معتدل یاد شده است (تستری، ۱۴۲۳: ۳۲).

همچنین خداوند در وصف عباد الرحمن می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانُوا بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان، ۶۷)؛ «و آنان که وقتی انفاق می‌کنند، نه از حد معمول [و متعارف] می‌گذرند و نه تنگ می‌گیرند، و [انفاقشان] همواره میان این دو در حد اعتدال است.»

امام صادق (ع) در این باره تشبیه روشن و جالبی نشان داده است، آن‌گاه که این آیه را تلاوت فرمود، مشتی سنگ ریزه از زمین برداشت و محکم در دست گرفت و فرمود: این همان سختگیری است. سپس مشتی برداشت و چنان دست خود را باز کرد که همه آنها بر زمین ریخت فرمود: این اسراف

است. در مرتبه سوم مشت دیگری برداشت و کمی دست خود را گشود، به گونه ای که مقداری از آن بیرون ریخت و مقداری در دستش ماند؛ فرمود: این همان قوام و اعتدال است (حویزی، ۱۴۱۵: ۴/۲۶). اهمیت و توجه به اعتدال و میانه روی در مصرف از آنجاست که از یک سو نیازهای انسان متنوع است و به دلیل محدودیت نمی تواند تمام این نیازها را به بیشترین مقدار برآورده سازد، از این رو به نیازهای گوناگون خود باید در حد اعتدال رسیدگی کند.

از سوی دیگر بیشتر امکانات و منابع مادی محدود است و زیاده روی گروهی در مصرف، محرومیت گروهی دیگر را به همراه دارد. (ایروانی، ۱۳۹۱: ۹۲) بنابراین رعایت اعتدال و میانه روی در زندگی و برنامه ریزی و نگه داشتن اندازه، برگرفته از طرز نگاه اسلام به بهره جویی انسان از نعم الهی می باشد، و از آنجا که اسلام دینی به دور از تند روی و رفتارهای غیر عقلانی می باشد، پیروان خود را ملزم به رعایت اعتدال و میانه روی در تمام شئون زندگی کرده است. بدین سان که جوهره اعتدال بایستی هم در قلمرو مادیات و هم در قلمرو معنویات مد نظر هر مسلمانی باشد و قطعاً هیچ انسانی بدون دست یافتن به حد اعتدال نمی تواند خود را انسانی شایسته قلمداد کند امام حسن عسگری (ع) در باره ی اعتدال می فرماید: «وَعَلَيْكَ بِالْإِقْتِسَادِ وَ إِيَّاكَ وَ الْإِسْرَافَ فَإِنَّهُ مِنْ فِعْلِ الشَّيْطَانَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۰/۲۹۲). بر تو باد به رعایت اعتدال و میانه روی و پرهیز از ریخت و پاش؛ زیرا چنین رویه ای کاری شیطانی است.

انسان نباید همواره در پی خواسته‌ها و شهوات خود و دل خود باشد، و خدا و خلق خدا را فراموش کند، بلکه لازم است که انسان متعهد، در خوردن و پوشیدن و مرکب سواری و لوازم زندگی خویش، حدودی را مراعات کند که اوضاع و احوال موجود و امکانات دیگران مقتضی آن است، و حالت انسان متواضع متعهد، چنین اقتضایی دارد که از آنچه به بی‌مبالاتی و جاه‌طلبی و اسراف و اتراف و شکم‌بارگی و تجمل‌زدگی می‌انجامد خودداری ورزد، و خود را به حدود انسانیت و فروتنی، و رعایت دیگران محدود سازد (حکیمی، ۱۳۸۰: ۴/۲۷۲).

از مجموع این گفتار در می‌یابیم که، رعایت اعتدال و میانه روی در زندگی موجب داشتن زندگی آرام و رسیدن به درجه عالی کمال و عافیت شده و انسان را از اضطراب فقر و فلاکت حفظ می‌کند. در نتیجه



یکی از راهکارها برای جلوگیری از تجمل گرایی و زیاده روی، اعتدال می باشد.

۴-۶- توجه به فرجام تجمل گرایی

دقت و توجه در فرجام و عاقبت تجمل گرایی، می تواند به عنوان راهکاری مناسب برای پیشگیری از آن ارایه شود. فرجام اخروی اتراف و تجمل گرایی با نظر در آیات قرآن و همچنین روایات اسلامی بسیار دردناک بیان شده است. قرآن در این باره می فرماید:

«وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ وَ ظِلٌّ مِنْ يَحْمُومٍ لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ» (واقعه ، ۴۱-۴۵)؛ «و شقاوتمندان، چه دون پایه اند شقاوتمندان! در میان بادی سوزان و آبی جوشان [قرار دارند، و سایه ای از دودهای بسیار غلیظ و سیاه، نه خنک است و نه آرام بخش، اینان پیش از این از نازی پروردگان خود کامه و سرکش بودن.»

بنابراین کسانی که در این دنیا به تجملات و زخارف دنیوی و اسراف رو آورنده اند، و اوامر و نواهی الهی را نادیده بگیرند، علاوه بر فقر و تنگ دستی و افتادن در روطه هولناک فساد و تباهی که در این دنیا دچار آن می شوند، عذاب اخروی نیز در انتظار آنان می باشد. خداوند در جای دیگر در قرآن در این زمینه می فرماید:

«وَ كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقَى» (طه ، ۱۲۷)؛ «و کسی را که [از هدایت حق] تجاوز کرده و به آیات پروردگارش ایمان نیاورده، این گونه کیفر می دهیم، و بی تردید عذاب آخرت سخت تر و پایدارتر است.»

همچنین در جای دیگر می فرماید:

«وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (غافر ، ۴۳)؛ «به راستی مسرفان اهل دوزخند.»

حضرت علی (ع) در بیانی زیبا در این باره می فرماید:

«الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارَ مَقَرٍّ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتَاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۹۳)؛ دنیا خانه گذر کردن است نه خانه ماندن، و مردمان در آن بر دو گونه اند: یکی آن که خود را فروخت و هلاک کرد، و دیگری آن که خود را خرید و آزاد ساخت.

بنابراین تفکر و دقت در فرجام تجمل گرایی به انسان کمک می کند، که در شهوت مال و مقام غرق نشود و همیشه در زندگی خود اندازه ای مشخص و متناسب با نیاز خود را در نظر بگیرد، زیرا روزی خواهد رسید که تمام این ها از او پس گرفته خواهد شد. بنابراین اگر خود را سرگرم ظواهر دنیا و زرق و برق آن کند چیزی جز حسرت و اندوه جان کاه نصیبش نخواهد شد.

نتیجه گیری

۱. خداوند متعال جمیع شئون زندگی انسان ها را بر پایه عدل و اعتدال بنا نهاده، به میانه روی در امور تأکید و توصیه نموده است. و از زیاده روی در حدود الهی و خروج از حد اعتدال و افراط و تفریط و ریخت و پاش منع فرموده است.

۲. تجمل گرایی به معنای میل و رغبت کردن به تجملات و توجه بیش از حد به ظواهر زندگی و غرق شدن در تشریفات غیر ضروری مادی، باعث حیف و میل، اتلاف و تزییع نعمت های الهی می شود و این امر شدیداً مورد منع، نهی، مذمت و نکوهش اسلام است زیرا مجالی برای اندیشه در کمالات معنوی، انسانی و توجه به بعد روحی باقی نمی گذارد و راه را برای تهذیب اخلاقی می بندد.

۳. آسیب شناسی به مطالعه و بررسی دقیق عوامل زمینه ساز و پدید آورنده یک آسیب می پردازد. و هدف در آن شناسایی، تشخیص و درمان صورت می پذیرد و نتیجه آن پیشنهاد راه حل مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب ها است. پرداختن به تجملات و کام جویی ها همواره با آسیب ها و ناشایستی هایی همراه است که مانع رسیدن انسان به سعادت اخروی و حیات طیبه می شود.

۴. فراموشی یاد خداوند، دنیا زدگی، مصرف گرایی، پیدایش و گسترش فقر، ورشکستگی و بدهکاری، پیدایش حالت تفاخر و استکبار، زیاده خواهی، رواج الگوگیری نامناسب و تقلیدهای ناصحیح، عدم از جمله آسیب های فرهنگی گرایش به تجملات است. بنابراین تجمل گرایی پدیده بیهوده و بر نامه ای مطابق با هوی و هوس است.

۵. راه درمان این پدیده در آیات قرآن (ثقل اکبر) و سنت و سیره معصومان (ثقل اصغر) که راهنما و نقشه رسیدن انسان به سعادت اخروی است به زیبایی هر چه تمام بیان شده است. رواج الگوگیری از سیره معصومان (ع)، تقویت باورهای دینی و ارزش های معنوی مانند زهد و پارسایی، قناعت و مناعت طبع، اعتدال و میانه روی از بهترین راهکارهای ارائه شده می باشد.

منابع

۱. قرآن کریم (ترجمه، انصاریان، حسین، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ ش).
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶) *الأمالی*، تهران: کتابچی.
۳. _____، (۱۳۹۸). *التوحید*، (محقق/مصحح: هاشم حسینی)، قم: جامعه مدرسین.
۴. _____، (۱۳۶۲). *الخصال*، (محقق/مصحح: علی اکبر غفاری)، قم: جامعه مدرسین.
۵. _____، (۱۹۶۶). *علل الشرائع*، قم: کتاب فروشی داوری.
۶. _____، (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه* / (محقق/مصحح: علی اکبر غفاری)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴). *تحف العقول*، (محقق/مصحح: علی اکبر غفاری)، قم: جامعه مدرسین.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴). *لسان العرب*، (محقق/مصحح: جمال الدین میردامادی)، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر و التوزیع.
۹. احمدی میانجی، علی، (۱۴۲۶). *مکاتیب الأئمة علیهم السلام*، قم: دار الحدیث.
۱۰. استرآبادی، علی، (۱۴۰۹). *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، (محقق/مصحح: استاد ولی، حسین)، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۱. اسحاقی، سید حسین، (۱۳۸۸). *باید ها و نبایدهای مصرف*، قم: دفتر عقل.
۱۲. الهامی نیا، علی اصغر، مقدس نیا، وفا، *اخلاق اقتصادی*، بی جا، بی تا.
۱۳. ایروانی، جواد، جلالیان اکبری نیا، علی، (۱۳۹۱). *مصرف صحیح از نگاه اسلام*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۴. بابازاده، علی اکبر، (۱۳۸۵). *سیری در سیره حضرت زهرا (س)*، قم: نشر هاجر ۱۵. امین سیده نصرت، (۱۳۶۱). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران: نشر نهضت زنان مسلمان.
۱۶. بستانی، فواد افرام، (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی الفبایی عربی-فارسی* (مترجم، رضا مهیار)، تهران: انتشارات اسلامی.

۱۷. تستری، ابو محمد سهل بن عبدالله، (۱۴۲۳). تفسیر التستری، بیروت: منشورات محمد علی بیضون / دارالکتب العلمیه .
۱۸. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، (۱۳۸۰). الحیاه (ترجمه احمد آرام)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی .
۱۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان .
۲۰. خمینی، روح الله، (۱۳۷۱). شرح چهل حدیث، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۱. خمینی، سید احمد، دلیل آفتاب، خاطرات یادگار امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا .
۲۲. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲). إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی، قم: الشریف الرضی .
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، (محقق / مصحح: داوودی، صفوان عدنان)، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیه
۲۴. رحیمی اصفهانی، غلام حسین، (۱۳۳۸). اخلاق اسلامی، قم: مؤلف .
۲۵. رهنمائی، احمد، (۱۳۷۸). (آسیب شناسی فرهنگی)، نشریه معرفت،
۲۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا .
۲۷. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴) نهج البلاغه (للصبحی صالح) (محقق / مصحح: صالح، صبحی)، قم: هجرت .
۲۸. شعرانی، عبدالوهاب بن احمد، (۱۴۱۳). لواقح الانوار القدسیه فی بیان العهود المحمديه، حلب: دار القلم العربی .
۲۹. حر عاملی، (۱۴۰۹). وسائل الشیعہ .، قم: مؤسسۀ آل البيت علیهم السلام .
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه
۳۱. طبرسی، (۱۳۸۵) ق / ۱۹۶۵ م / ۱۳۴۴ ش) مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المكتبة الحیدریه
۳۲. طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵). مجمع البحرين (محقق / مصحح: احمد حسینی



اشکوری)، تهران: مرتضوی

۳۳. عطاردی، عزیز الله؛ (۱۳۷۸). ترجمه الإیمان و الکفر بحار الأنوار، تهران: عطارد.

۳۴. عمید، حسن (۱۳۴۲)، فرهنگ عمید، تهران: راه رشد.

۳۵. غلام جمشیدی، محمد صادق، (۱۳۸۸). اسراف در قرآن و حدیث، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.

۳۶. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵) روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القديمه)؛ قم: انتشارات رضی.

۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹) العین (محقق، مهدی مخزومی. ابراهیم سامرایی)، قم: نشر هجرت.

۳۸. فرمهینی فراهانی، محسن، ابوالقاسمی، محمد جواد، (۱۳۸۲). آسیب شناسی توسعه فرهنگ دینی، تهران: منهاج.

۳۹. الفیروز آبادی، مجدالدین، (۱۴۲۶) قاموس المحيط، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۴۰. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.

۴۱. کراجکی، محمد بن علی، (۱۴۱۰). کنز الفوائد، (محقق / مصحح: نعمه، عبدالله)، قم: دار الذخائر.

۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷) الکافی (ط - الإسلامیه) (محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی)، تهران: دار الکتب الإسلامی.

۴۳. کاظمی، سید علی اصغر، (۱۳۷۶). بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، تهران: قومش.

۴۴. کلانتری، علی اکبر، (۱۳۸۸). الگوی مصرف، قم: بوستان کتاب.

۴۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳). بحار الأنوار (ط - بیروت) (محقق / مصحح: جمعی از محققان)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۴۶. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۸). منتخب میزان الحکمه با ترجمه فارسی، (مترجم:

حمید رضا شیخی)، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.

۴۷. معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر



۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، بی جا، بی نا، بی تا.
۴۹. _____، (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۵۰. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، (۱۴۰۰). مصباح الشریعة، بیروت: اعلمی.
۵۱. میر تبار، سید محمد، (۱۳۹۰). آسیب شناسی جامعه منتظر، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج)
۵۲. میر عمادی، سید احمد، (۱۳۹۰) اقتصاد در اسلام، قم: باقیات.
۵۳. نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران: خیام، بی تا.
۵۴. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل بیت.